روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسوول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه • ۲۰ فروردین ۱۳۹۳ • ۹ جمادی‌الثانی ۱۴۳۵ • ۹ آوریل ۲۰۱۴ • سال یازدهم • شماره ۱۹۸۶ • ۱۶صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۶ • اذان مغرب ۱۹:۵۱ • اذان صبح‌فردا ۵:۱۲ • طلوع آفتاب ۶:۳۹

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

آمبولانس

نوزاد ۹ماهه

تحت‌الحفظ در آمبولانس

پوریا عالمی

● تماس عجیبی داشتم. یک نوزاد ۹ماهه به اتهام اینکه به سمت پلیس پاکستان سنگ پرتاب کرده، بازداشت شده. پلیس پاکستان برای جابه‌جایی متهم زنگ زده به پلیس بین‌الملل و گفته: «از پاکستان به اینترپل... درخواست همکاری بین‌المللی... موضوع انتقال کودک ۹ماهه به پاسگاه...»

پلیس اینترپل خیال کرده مزاحم تلفنی است، گفته زنگ بزنید به «شیرخوارگاه اینترپل» و بعد گوشی را تلپی قطع کرده.

اینطوری شد که با من تماس گرفتند. من هم گاز آمبولانس را گرفتم و رفتم پاکستان و نوزاد ۹ماهه را تحت تدابیر شدید امنیتی تحویل گرفتم تا نمی‌دانم ببرمش دادگاه یا پاسگاه یا شیرخوارگاه... خلاصه الان هم صدای گریه‌اش آمبولانس را برداشته. می‌گویید شوخی می‌کنم؟ خبرش را «ایندیپندنت» هم نقل کرده. پدربزرگ این نوزاد نه‌ماهه گفته: «او حتی نمی‌تواند شیشه شیرش را بگیرد دستش.» ولی ما گول این ظاهرسازی‌ها را نمی‌خوریم. چطور است تا وقت هست از زیر زبان این نوزاد نه‌ماهه بکشیم بیرون ببینیم حرف حسابش چیست.

من: عموجون... چرا به پلیس سنگ انداختی؟

نوزاد نه‌ماهه: اد بد دودو دببد اودودو بدهرده.

من: آیا عمل شما اقدامی تلافی‌جویانه بود؟

نوزاد نه‌ماهه: دوووو. دبلدبلدیدودو. دیدو دو. دو دو. دهه.

من: آیا توسط آمریکا یا روسیه یا انگلیس یا پاتایا حمایت مالی شدید؟

نوزاد نه‌ماهه: دااااا.

من: توسط طالبان چی؟ حمایت نشدید؟

نوزاد نه‌ماهه: دددددد. دا. دااااا.

من: آیا ریگی به کفش شما هست؟

نوزاد: دا...

من: بسیار خب. چه گروه یا چه کسانی سلاح سرد

سنگ را در اختیار شما قرار دادند؟

نوزاد نه‌ماهه: اد دودوو. دو بو دو. دابادا. دوبو دو دادا. دی دودودو. دبلا. دیبالا. دودالا. دبله؟

من: آیا قبول دارید که وقتی در ۹ماهگی سنگ به پلیس پرت می‌کنید، بعید نیست در ۹سالگی یا ۹۰سالگی عملیات انتحاری انجام دهید؟

نوزاد نه‌ماهه: دیدا.

من: آیا معتقدید سنگ مفت گنجشک مفت؟

نوزاد نه‌ماهه: دا.

من: پس قبول کردید که پلیس را در حد گنجشک می‌بینید؟ درست است؟ دست شما رو شده.

نوزاد نه‌ماهه: دودا... . دا... دا... ئوووووووئه...

من: این چه بویی است؟ اوهاوه... آیا شما قصد دارید فضا را آلوده نشان دهید؟ یا این پالسی است که برای همدستان خودفرستادید؟

نوزاد نه‌ماهه: ئوووووووئه... اووووئه... اهه... اهه... ئوووووئه...

من: گریه نکن... زود باش... باید پای این پوشک را امضا کنی...

بله. خوانندگان عزیز، همان‌طور که دیدید ریگی به کفش این بچه است، به نظر ما هم نباید گول هیکل مردم را خورد. همان‌طور که دیدید این نوزاد نه‌ماهه یک جانی بالفطره است که توسط ابرقدرت‌های جهان و گروه‌های تندرو و آشوب‌طلب حمایت مالی و تسلیحاتی می‌شود. الان هم خودش را زده به موش‌مردگی. در ضمن دیدید که ریگی به کفشش هست.

کارتون خواب

امین منتظری

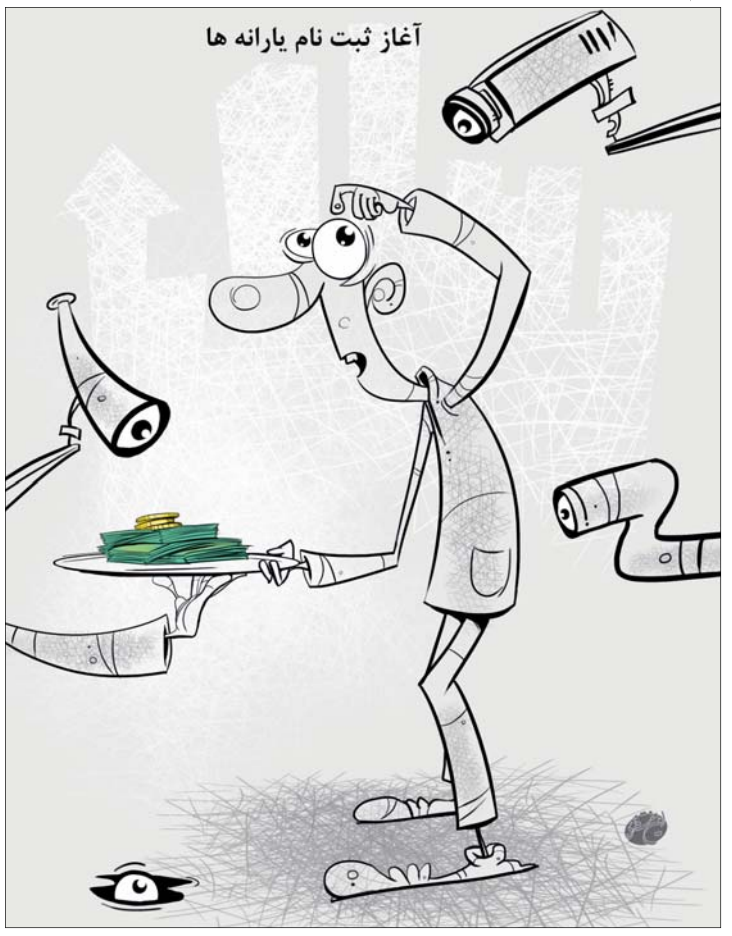

خبرهای فردا

● ستون پنج‌ساله «بهاره رهنما» که روزهای چهارشنبه با عنوان «یک حرف، یک نگاه» در همین صفحه منتشر می‌شد، از این به‌بعد روزهای پنجشنبه منتشر خواهد شد که فردا نخستین یادداشت این ستون، در سال جدید را خواهید خواند.

● فردا مهلت ثبت‌نام در بخش ناشران الکترونیک بیست‌وهفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران پایان می‌یابد. این دوره نمایشگاه ۱۰ تا ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۳ در مصلای بزرگ امام‌خمینی(ره) برگزار می‌شود.

● مسابقات دوومیدانی نوجوانان پسر و دختر کشور فردا و پس‌فردا در ورزشگاه آفتاب انقلاب تهران برگزار می‌شود.

● «کارگاه داستان‌نویسی» شیوا ارسطویی در ۱۲ جلسه، در موسسه مطالعاتی رخداد تازه چهارشنبه ساعت ۱۵ تا ۱۸ برگزار می‌شود.

اتفاق

«ستاره صبح»

دویست‌وبیست‌ویکمین شماره هفته‌نامه «ستاره صبح» در ۲۴ صفحه منتشر شد. در این شماره می‌خوانید: «عبور از پوپولیسم شجاعت می‌خواهد»، «پرده‌های فساد یکی‌یکی کنار می‌رود»، «تداوم ایستادگی در برابر دولت برآمده از آرای ملت»، «چرا ترک‌ها به نخست‌وزیر متهم اعتماد کردند؟»، «رای سلبی دوام ندارد» و ده‌ها مطالب تحلیلی، تفسیری، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، هنری، ورزشی دیگر. ستاره صبح نخستین شماره سال ۹۳ خود را با دو پرونده یکی درباره «محمدابراهیم باستانی پاریزی» و دیگری «عبور از پوپولیسم یارانه‌ای شجاعت می‌خواهد»، آغاز کرده است.

سلام به فردا

یارانه- یاران، دوربرگردان

فرشته طائرپور

دیگران را نمی‌دانم، اما توقع من و امثال من از دولت روحانی برای حل مشکلات اقتصادی ملت، چیزی به‌مراتب فراتر از تقسیم ماهانه ۴۵هزارتومان میان آحاد جمعیت ایران است. یارانه‌بگیران اندک-رضا هم کافی است کمی محاسبه کنند تا متوجه شوند که این حق‌السکوت ناچیز، در ازای مطالبات برآورده نشده‌شان در حوزه‌های تولید، بهداشت، آموزش و امکانات رفاهی، چه باخت بزرگی بوده که جز تحقیر شخصیت و تخفیف حقوق حقه، خاصیت دیگری نداشته است.

دولت روحانی می‌تواند برای پرهیز از مواجهه با نارضایتی کوتاه‌مدت مردم- به‌خصوص مردمی که تعداد زیاد فرزند و مقدار کم درآمد به مدد محاسبه یارانه‌هایشان آمده- شانه خود را از فشار وظایف حاد و عاجلی چون بیمه‌کردن میلیون‌ها انسان بلاتکلیف، تامین دارو، کنترل تورم، تطبیق مطالبات مالیاتی با واقعیت‌های حرفه‌ای، حل مشکل بیکاری و کم کاری، راه‌اندازی چرخ‌های تولید و ده‌ها معضل زیربنایی دیگر رها کند و با ادامه پرداخت بی‌هدف‌ترین یارانه ممکن، کار خود را آسان و ملت را برای یکی، دوسال دیگر هم راضی و ساکت کند.

دولت روحانی می‌تواند از خود نپرسد که: به کجا برده این یارانه ۴۵هزارتومانی، عزت‌نفس کشاورزانی را که تا همین چند سال پیش به فرزندان خود می‌آموختند زراعت امر مقدسی است و باید به آنچه می‌کارند و بر می‌دارند، تکیه کنند؟ ... به کجا برده این ماهانه ۴۵هزارتومانی، سربلندی کارمندانی را که تا همین اواخر به فرزندانشان به چشم تعداد سهمیه‌های یارانه خانواده، نگاه نمی‌کردند؟ ... به کجا برده این ماهیانه ۴۵هزارتومانی، استقلال آن صنعتگر، کاسب، معلم و پرستاری را که در فتوت‌نامه این سرزمین، برای نگه‌داشتن گونه‌های سرخ از سیلی‌شان هم گردنی افراشته داشته‌اند؟

دولت روحانی می‌تواند فراموش کند که در برهه انتخابات، با پرهیز از شعارهای عوام‌فریبانه و وعده‌های فقیرپسندانه موفق شده است.

دولت روحانی می‌تواند با راه‌حل‌های دوربرگردانی، مشکل آدم‌ها را به دوقدم دورتر بکشاند و بنای همه تدبیرهایش را بر خستگی و اندک-رضایی ملت بگذارد.

... اما دولت روحانی نمی‌تواند یک کار را آسان انجام دهد؛ پاک‌کردن حافظه نخبگان، دانشجویان، هنرمندان، متخصصان، دلسوزان، فعالان و یارانه‌نگیران این سرزمین از خسارت‌های سنگینی که با مدیریت‌های خطا و طرح‌های نابجا متحمل شده‌اند. دولت روحانی فرصت زیادی برای برخورداری از «امید» ملت به «تدبیر» خود ندارد... و یک‌ماهانه ۴۵هزارتومانی، تدبیری نیست که به‌خاطرش به دولت روحانی امیدببندیم.

گفت‌وگوی فردا

میرجلال‌الدین کزازی در گفت‌وگو با «شرق» بررسی کرد

پیامک‌های طنز یارانه‌ای

سعید برآبادی

همزمان با شروع ثبت‌نام مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها، موج تازه پیامک‌های طنز، شوخی‌های گفتاری و نوشتاری رواج پیدا کرده، هم در فضای مجازی هم در تاکسی‌ها و هم در گفت‌وگوهای روزانه. یکی نوشته اگر «سبد کالا» را در دست راستم و «سهام عدالت» را در دست چپم بگذارید از دریافت یارانه انصراف نخواهم داد. دیگری به دولت قبل تکه پرانده و آن یکی به تلویزیون که هی زیرنویس می‌کند انصراف دهید. صداوسیما هم گفته آنها که از یارانه انصراف بدهند اسم‌شان را جلو فروشگاه‌ها خواهند زد تا از این به بعد مجبور باشند با آنها بهتر رفتار شود. معلوم هم نیست که این یکی از آن شوخی‌های خنک است یا واقعا جدی‌جدی قرار است فهرست خوب‌ها و بدها داشته باشیم، اما این موج با موجی که در فاز اول هدفمندی گریبان دولت نهم را گرفت زمین تا آسمان فرق می‌کند، اینجا بیشتر حرف درباره انصراف است نه خود یارانه‌ها. میرجلال‌الدین کزازی در گپی خودمانی با «شرق» می‌گوید ایرانی‌ها همیشه این ذایقه نمکین را داشته‌اند و اگر دولتمردان پروای واکاوی همین طنزها را داشته باشند می‌توانند به بسیاری از مشکلات اجتماعی و فرهنگی جامعه پی ببرند.

این‌روزها پیامک‌های طنز درباره یارانه‌ها دست به دست می‌چرخد، فکر می‌کنید چرا ایرانی‌ها بخشی از واکنش اجتماعی‌شان به مسایل اطراف، طنازانه است؟

به پرسش شما از نگاهی بسیار فراخ دو پاسخ می‌توان داد: یکی پاسخی است که به خوی و منش و توان ادبی و ذوقی ایرانیان بازمی‌گردد. بسیاری از ایرانیان دارای توان آفرینشی در طنز و در پدیدآوردن نکته‌های نغز و دلنشین هستند. این توان طنزپردازی از دید من، بازمی‌گردد به کارکردی بنیادین و پایدار که سخنوری و شاعری همواره در فرهنگ و منش ایرانی داشته است. پاسخ دیگر به این پرسش این است که شاید ایرانیان از آن روی به طنز روی می‌آورند تا دیدگاه خود را درباره پرسمان‌ها و زمینه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و هرچه از این دست، آشکار بدارند. از آنجاست که راه و روش و امکانی دیگر فراپیش خود نمی‌یابند پس نیاز به هنبازی (مشارکت) زمینه‌های گوناگون را در ساختن طنز می‌یابند یا شاید از آن روی که این روش طنزپردازی روشی است آسان‌تر و زودانجام‌تر از دیگر روش‌ها.

اما به‌نظر می‌رسد محتوای این پیامک‌ها با دوره‌های قبل فرق داشته باشد؛ در دوره قبل، نگاه اعتراضی بود و گاه پیامک‌ها به هزل کشیده می‌شد و شوخی‌های ناجور، این بار اما انگار سالم‌تر است. چطور می‌شود فرق این دو نوع شوخی را تشخیص داد؟

به‌راستی بخشی از طنزهای انتقادی می‌تواند در پیوند با هزل و شوخی باشد زیرا هزل- به سخن دیگر در آن شوخی‌هایی که به پیوندهای بسیار ویژه فردی مانند پیوند زناشویی بازمی‌گردد- از کارمایه عاطفی و روانی نیرومندی برخوردار است. هنگامی که طنز در بستر هزل پدید می‌آید کارایی و اثرگذاری آن بیشتر است به ویژه در طنزهایی که تیزاند و تلخ و گزنده و گزاینده. اما آنچه طنز را از هزل یا شوخی جدا می‌دارد آن است که در هزل و شوخی به ناچار پیامی فرهنگی اجتماعی نهفته نیست اما در طنز چنین پیامی به ناچار می‌باید نهفته باشد. طنز بستر و خاستگاه خود را یا به گفته‌ای دیگر، ابزار پدیدآورنده خویش را، از طنز و شوخی می‌ستاند اما در هزل و شوخی نمی‌ماند. اگر سخنی شوخ و نمکین و خنده‌آور دارای سودمندی فرهنگی و اجتماعی هم بود و فراتر از آن رفت که تنها مایه سرگرمی یا خنده باشد، به طنز فرامی‌رود. می‌توان گفت که هر طنزی می‌تواند شوخی باشد حتی هزل، اما هر شوخی و هزلی، طنز نیست.

در دوره‌های قبل، گاهی انتشار یک جوک یا پیامک درباره یارانه‌ها باعث می‌شد حتی رییس دولت نسبت به آن واکنش نشان دهد، فکر می‌کنید در این دوره هم شاهد چنین مواجهه‌ای خواهیم بود؟

به هر روی در درازنای تاریخ ایران، طنز همواره کارکردی کمابیش نیرومند داشته است. برای نمونه طنزهای عبید زاکانی در «رساله دلگشا» را که بخوانید، به آسانی می‌توانید با پرسمان‌ها و تنگناها، دشواری‌ها، نامردمی‌ها، نابهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی در روزگار عبید آشنا شوید. کارکرد نیرومند طنز بازمی‌گردد به این ویژگی بنیادین که در طنز می‌توان کارمایه‌ای بسیار را در واژگانی اندک گنجانید. اگر ما دیگر ابزارهای ستیز و آویز را شمشیر و دشنه بدانیم، طنز را می‌توانیم، سوزنی تیز و بلند بدانیم که در دسترس همگان هست. می‌توان آن را به شیوه‌ای نهانی بر تن دیگری فرو کرد، او را آزرد، هشدارش داد و از خفتگی و ناآگاهی به در کشید. این ویژگی در طنز است که از آن ابزاری کارساز و همواره در دسترس ساخته و کسانی که طنز را خوش نمی‌دارند به درست از همین روست که در برابر آن ناتوان می‌مانند زیرا اگر کسی با شمشیر یا دشنه به دیگری گزندی برساند کار او از پرده به در خواهد افتاد. اما آن سوزن که در تن کسی می‌خلد از آن روی که خرد است و در نهان در آن تن فرورفته است آشکار نیست.

در طول صدها سال قدمت طنز در زبان و ادب فارسی، تابه‌حال چقدر دولت‌ها از این ظرفیت برای شناخت مشکلات جامعه استفاده کرده‌اند و فکر می‌کنید با انتشار این پیامک‌ها، دولت می‌تواند مشکلات فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها را تشخیص بدهد؟

این بستگی دارد به سامانه فرمانروایی. به اینکه آیا فرمانروایان و دولتمردان پروای آن را دارند که با واکنش‌های مردم خویش آشنا باشند یا نه. به هر روی آنچه می‌توانم گفت این است که طنز، گونه‌ای از آفرینش ادبی و هنری است که سررشته‌داران اگر باریک و دانشورانه در آن بنگرند و بیندیشند، به آسانی در زمانی اندک می‌توانند بر ناخشنودی‌های مردم خویش آگاه شوند و بکوشند که آنها را چاره کنند و از میان بردارند. گاهی آنچه را در پژوهشی درازدامان می‌توان به دست آورد در طنزی نغز نهفته می‌توانی یافت.

پنجره فردا

وقتی که معاش مساله آدم‌ها نیست

حسین سناپور

در اولین روزهای عید، فیلم «کارمند شرکت» را از سینمای کره در تلویزیون دیدم. در یکی، دو سال گذشته بیشتر از چهار، پنج فیلم از سینمای کره ندیده‌ام، از جمله دو، سه فیلم از کیم‌کی‌دوک، اما به‌نظرم صرف‌نظر از خوب‌بودن نسبی همه‌شان، در چند چیز عمقی بسیار شبیه هم‌اند؛ همه‌شان قصه‌گویی خیلی خوبی دارند و شبیه سینمای متعارف آمریکا قصه‌شان را تعریف می‌کنند (همین را احتمالا می‌توان نشانه تاثیرگذاری فرهنگ‌سازی آمریکایی دانست)، همه‌شان پر از خشونت‌اند (که این هم باز تا حد زیادی شبیه بسیاری از فیلم‌های آمریکایی‌شان می‌کند)، در هیچ‌کدام معاش مساله آدم‌ها نیست (انگار جامعه‌شان از این‌طور مسایل، که جامعه ما هنوز بسیار درگیرش است، گذشته است) و مهم‌تر از همه، آدم‌ها بسیار تنها هستند و به دنبال رابطه‌ای عاطفی، که در آن ناکام می‌مانند، یا به شکلی بسیار مجازی به آن می‌رسند. شاید از این نظر هم باز شبیه بعضی از فیلم‌های آمریکایی باشند، که البته تعداد فیلم‌های مشابه (با مایه‌های مشابه) را خیلی کم می‌شود پیدا کرد. به جز این به نظرم یک خصوصیت بسیار خاص دارند که دست‌کم من به صورت تعمیم‌یافته در فیلم‌های آمریکایی یا هیچ جای دیگری (گفتم البته با مایه‌های مشابه) ندیده‌ام و آن این است که آدم‌ها قادر نیستند عواطف‌شان را بازگو کنند. انگار برخلاف فیلم‌های آمریکایی، اینجا آدم‌ها - شاید بشود گفت - دچار نوعی اخلاقِ شرقی هستند و حُجب و پوشیدگی‌ای در احساسات‌شان دارند که مانع گفتن امیال و خواسته‌هاشان می‌شود. همین نگفتن هم نوعی تشخص به فیلم‌های کره‌ای می‌دهد که نوعی سرما هم جزیی از آن است. برخلاف مثلا فیلم‌های پرخشونت آمریکایی (مثلا مجموعه هویت بورن) که باوجود همه فاصله‌گرفتن‌هاشان از بروز احساسات، باز هم بروز روابط عاطفی و احساسات شخصی در آنها آشکار است، در فیلم‌های کره‌ای آنقدر این احساسات ناگفته و پنهان می‌مانند که در ظاهر با حجم عظیمی از سرما روبه‌روییم. البته همزمان تاکید می‌شود که آدم‌ها پر از احساسات ناگفته‌اند. این دو تناقض غریبی به فیلم‌های کره‌ای می‌دهد که به‌عنوان یک شاخصه، به‌نظرم فقط متعلق به سینمای آن کشور نیست و بسیاری از فیلم‌های با مایه‌های عاشقانه شرقی (به‌خصوص ژاپنی و کره‌ای) همین خصوصیت را دارند (یا دست‌کم من این‌طور دیده‌ام). اما نکته این است که شاید فیلم‌های کره‌ای چنان این پوشیده‌گویی احساسات را برجسته یا شاید در آن اغراق کرده‌اند که انگار ویژگی فیلم‌هاشان شده است. یعنی در این فیلم‌های کره‌ای که دیده‌ام، تاثیرگرفتن از سینمای آمریکا به شدت آشکار است، اما بیشتر در وجه تکنیکی و جذاب‌کردن فیلم، اما همچنان در وجه بیان احساسات عاشقانه، به گمان من کاملا و حتی به نحو اغراق‌شده‌ای شرقی‌هستند.

حالا اگر بخواهم همین‌طور سردستی و براساس همین چند فیلم درباره وضعیت فرهنگی کره قضاوت کنم، گمان می‌کنم جامعه‌شان گرچه از نظر سطح زندگی وضع خوبی دارد، اما همان مشکلی را پیدا کرده که احتمالا هر کشور شرقی دیگری با مدرنیزه‌شدن پیدا می‌کند؛ یک‌باره جداشدن از سنت‌ها و پیداکردن سنت‌های مدرنِ جایگزین که بتواند بستر مناسبی برای شکل‌گیری و بروز روابط اجتماعی و عاطفی باشد و در عوض گسترش پیداکردن خشونت فردی و جمعی؛ و به‌نظرم این می‌تواند برای ما، هم هشدار باشد و هم مایه آگاهی، که اگر قرار است شکل زندگی‌مان با ورود و ظهور هزاران نشانه‌های مدرن به همان سو برود که ژاپن و کره رفته‌اند (و چاره‌ای هم جز آن نیست)، بهتر است برای پیشگیری از عوارض این زندگی مدرن (تنهایی، خشونت و...) سنت‌هایی مناسب این زندگی را هم پایه‌گذاری کنیم تا افراد دچار این تک‌افتادگی و بی‌هویتی و نداشتن پایگاه‌های عاطفی نشوند؛ چنان‌که مثلا در فیلم‌های امروزی سینمای کره یا ژاپن می‌بینیم؛ یعنی راستش می‌خواهم باز هم یک حرف سردستی و براساس گمان بزنم و بگویم، به‌نظرم کره اکنون در جایی قرار دارد که ما فقط در میانه‌های راهش هستیم.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۸۸۱۹۰۴۶۸

۸۸۱۹۳۹۷۹

آموزشگاه آزاد سینمایی موج نو

با مجوز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۵۳/۶۱۳۰

مدیر مسئول و مدیر آموزش: هوشمند ورعی

سایت موج نو را دیده اید؟

www.mojenofilmschool.com

قابل توجه کتاب فروشی های سراسر کشور

دوره جدید شماره ۲ ماهنامه حقوق و اقتصاد منتشر شد

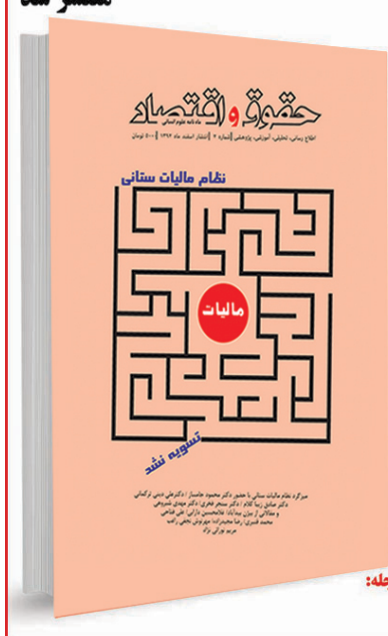

میز گرد ـ مالیات ستانی

با حضور:

محمود جامساز

علی دینی ترکمان

صادق زیبا کلام

مهدی شبروهی

سنجر فخری

و مطالبی از:

دکتر بیژن بید آباد

غلامحسین دارابی

علی فتاحی

محمد قنبری

رضا مجیدزاده

مهدی نجفی راغب

مریم نورائی نژاد

جهت اشتراک و سفارش خرید مجله:

تلفن: ۸ ـ ۸۸۵۰۳۱۷۳ ـ ۰۲۱

دورنگار: ۸۸۵۰۳۱۸۰ ـ ۰۲۱

info@law-economy.ir www.law-economy.ir